

تبیین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق

سیدمصطفی هاشمی^۱
عبدالرضا فرجی‌راد^۲
رحیم سرور^۳

چکیده

کد ژئوپلیتیک، نقشه عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی تأثیرگذار بر سیاست و بر خاسته از جغرافیای یک کشور است که سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت دیدگاه‌های ژئوپلیتیک نشئت گرفته از کدهای ژئوپلیتیک همسایگان و شناسایی کدهای ژئوپلیتیک موجود در کشورهای هدف می‌تواند نقش مؤثری در رویکرد سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلیتیک یک کشور ایفا کند. با توجه به اشتراک فراوانی که در پیشینه تمدنی، تاریخی، فرهنگی و نژادی عراق با ایران وجود دارد و همچنین نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشور، شناسایی و مطالعه کدهای ژئوپلیتیک این کشور برای جهت‌دهی به سیاست خارجی ایران، امری لازم و ضروری است. بنابراین نگارندگان، با تأکید بر تحلیل کدهای ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و عراق کوشش کرده‌اند تا با روش توصیفی و تحلیلی عوامل ژئوپلیتیک که بر روابط فیما بین اثرگذار را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، وزن ژئوپلیتیک، ایران، عراق.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

^۲ دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول: a.farajirad@yahoo.com

^۳ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری.

An Explanation of Geopolitical Factors Influencing Iran-Iraq Relations

Sayyed Mostafa Hashemi

Ph.D. Candidate of Political Geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Abdolreza Farajirad¹

Associate Professor of Political Geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Rahim Sarvar

Professor of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Abstract

Geopolitical codes are the map of stable and variable geographical factors that arise from the geography of a given country and influence its foreign policy. Identification of the geopolitical viewpoints via decoding the geopolitical codes of neighboring countries as well as distinguishing the geopolitical codes of the target countries could play an effective role in the approach of a country to the issue of foreign policy in line with its geopolitical weight. Considering the extensive civilization, historical, cultural and ethnic commonalities of Iran and Iraq combined with influence of regional and trans-regional powers in Iraq, identification and studying of Iraq's geopolitical codes is essential to the orientation of Iran's foreign policy. For this, the authors have attempted to study and analyze the geopolitical factors influencing Iran-Iraq relations via employing a descriptive-analytical methodology while emphasizing the analysis of available geopolitical codes of Iran-Iraq political geography.

Keywords: Geopolitics, Geopolitical Codes, Foreign Policy, Geopolitical Weight, Iran, Iraq.

مقدمه

جغرافیای تاریخی ایران، شامل پهنه وسیعی از مناطق غربی و شرقی می‌شده، به طوری که از غرب سرزمین‌های عراق، شامات تا شمال آفریقا و از شرق افغانستان، پاکستان و هند تا جلگه سند و پنجاب را دربرمی‌گرفت و تمام این مناطق، قلمرو امپراتوری ایران محسوب می‌شدند. تحولات تاریخی، فراز و نشیب در روند ژئوپلیتیک امپراتوری‌ها، خسارات بی‌شمار جنگ‌ها در کنار بلوغ فکری و سیاسی جوامع بشری،

¹. Corresponding Author: a.farajirad@yahoo.com

در نهایت منجر به انعقاد صلح و ستفالیا شد. اراده نظام جهانی برای پذیرش مفاد این قرارداد، با تولد دولت‌های مدرن و تغییر از نظام جهانی به نظام بین‌الملل همراه شد. با جهان‌شمولی این پارادایم و فروپاشی امپراتوری عثمانی و به موازات شکل‌گیری کشورهای دیگر، عراق مستقل نیز متولد شد. تا پیش از تولد کشور عراق، نوعی پیوستگی جغرافیایی و وابستگی تاریخی میان ایران و عراق وجود داشت و این پیوستگی در برخی برهه‌های تاریخی، به وابستگی ژئوپلیتیک تبدیل می‌شد، اما با شکل‌گیری عراق مستقلی که از نابرابری‌های جغرافیایی و تنگنای ژئوپلیتیک بهره می‌برد و برای کسب منافع ملی، درصدد بود تا از حداکثر کدهای ژئوپلیتیک خود علیه همسایگانش استفاده کند، این وابستگی تبدیل به چالش ژئوپلیتیک شد. عراق در تمام دوران این سال‌ها، تلاش می‌کرد تا با چالش ژئوپلیتیک که با آن مواجه است مقابله کند؛ جغرافیای سیاسی نابه‌سامان آن هم معضل اساسی بود که بر مشکلات قبلی اضافه شده بود. به همین جهت نه تنها با برخی از کشورهای همسایه و جهانی مشکل داشت و سیاست تهاجمی نسبت به آنان در پیش گرفته بود بلکه از درون نیز با بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعات مذهبی خود، درگیری و منازعه داشت. آشفتگی سیاسی و کشمکش‌های داخلی در عراق، سبب شده بود تا سطح درگیری، به نزاع برای تصاحب قدرت تبدیل شود و اقتدارگرایی محض در حاکمیت عراق، شرایطی فراهم کرده بود تا احزاب سیاسی و گروه‌های قومی و مذهبی، به کدهای ژئوپلیتیک دیگر کشورهای منطقه برای اعمال فشار بر حکومت عراق تبدیل شوند. این رویه حالت عکس نیز داشت و عراق از کدهای ژئوپلیتیک خود استفاده می‌کرد تا در نظام منطقه‌ای حداکثر بهره را ببرد و ضمن ایجاد انبساط ژئوپلیتیک، همسایگان خود اعم از ایران، سوریه، ترکیه و کویت را با چالش ژئوپلیتیک مواجه کند. تاریخ سیاسی عراق نشان داده که نوع، کیفیت و جنس حکومت در عراق بسیار حائز اهمیت است و تأثیر بسیار زیادی در ایجاد چالش ژئوپلیتیک برای کشور هدف دارد، با این وجود برخی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک عراق، به عنوان متغیر چالش برانگیز برای ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شوند که فارغ از نوع حکومت عراق، بر روابط ایران و عراق اثر می‌گذارد. هرچند دولت و حکومت عراق فی‌الذاته یک متغیر ژئوپلیتیک اصلی و مهم در روابط ایران و عراق به شمار می‌رود که ظرفیت بسیار زیادی برای جهت‌دهی به متغیرهای ژئوپلیتیک عراق و تأثیر بر روابط با ایران را دارد، با این وجود برخی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک عراق، با وجود حضور حکومت و دولت همگرا با جمهوری اسلامی، خواه‌ناخواه، به صورت مستقیم اثر منفی بر روابط عراق و ایران دارد، هرچند نقش دولت عراقی شیعی همگرا، می‌تواند از وزن این اثر تا حدودی بکاهد، ولی نمی‌تواند اثر آن را خنثی کند. کدهای ژئوپلیتیک عراق که بر روابط ایران اثر دارد به تعداد معتنا بهی

است که ریشه در تاریخ، جغرافیا، سیاست، اقتصاد، مذهب، دین و تمدن این دو کشور دارد؛ با این حال در تحقیق پیش رو مهم ترین و اصلی ترین بنیان های ژئوپلیتیک مؤثر عراق که دارای اثر مستقیم بر روابط با ایران هستند مورد بررسی قرار می گیرد. با عنایت به موضوع تحقیق، سؤالی که در این پژوهش مطرح این است که «مهم ترین بنیان های ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط ایران و عراق شامل چه مواردی هستند؟» از این رو به نظر می رسد هیدروپلیتیک، اکراد، هویت، مذهب، جریانات سیاسی و مرزهای مشترک از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر بنیان های ژئوپلیتیک مؤثر در روابط ایران و عراق است.

روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع پژوهش های توصیفی-تحلیلی است و به روش تحلیلی و تفسیری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه ای (شامل کتب، نشریات و اینترنت) و مصاحبه با اساتید دانشگاه و خبرگان نظامی و امنیتی در قالب مصاحبه و حضور در جلسات خبرگی گردآوری شده است.

مبانی نظری

بنیان ژئوپلیتیک

بنیان های ژئوپلیتیک، به مجموعه عوامل ژئوپلیتیک اطلاق می شود که نتیجه تأثیر و تأثر عوامل جغرافیایی و سیاسی بر یکدیگر محسوب می شوند، در حالی که آنچه که در عینیت با آن روبرو هستیم نه صرفاً عامل جغرافیایی است و نه صرفاً عامل سیاسی محسوب می شود، بلکه محصول کنش و واکنش پدیده های جغرافیایی و سیاسی در فضا است که در نهایت منجر به تولید قدرت می شود (Hosseinpour, 2013, p.169). بنابراین قابلیت ارزیابی میزان اثرگذاری این عوامل در ارتباط با نیروها و کنشگران داخلی، ملی، منطقه ای و بین المللی وجود دارد. بنیان های ژئوپلیتیک در حکم متغیرهایی هستند که در یک رابطه ژئوپلیتیک مطرح می شوند و به اعتبار وزنی که هر یک از این عوامل در رابطه ژئوپلیتیک دارند، منجر به جهت گیری و برتری ژئوپلیتیک رابطه میان دو پدیده جغرافیایی و سیاسی می شوند. بنیان های ژئوپلیتیک، پدیده های انتزاعی ناشی از روابط متقابل عوامل جغرافیایی، محیطی، سیاسی و قدرت در ساختار ژئوپلیتیک هستند که بسته به کارکرد هر یک از این عوامل و نقش آن در روندهای نظام ژئوپلیتیک جهانی، منطقه ای و ملی (Cohen, 2008, p.81) به عنوان متغیرهای مستقل و یا وابسته ایفای نقش می کنند. بنیان ژئوپلیتیک، به عناصر ژئوپلیتیک اطلاق می شود که در چارچوب ژئوپلیتیک قرار گرفته اند و مبین ساخت ژئوپلیتیک جدیدی در نظام جهانی، منطقه ای و یا ملی است. بنابراین عناصر ژئوپلیتیک، بنیان های

ژئوپلیتیک بالقوه‌ای محسوب می‌شوند که قابلیت شکل‌دهی ساخت ژئوپلیتیک را دارند. از جمله این عناصر ژئوپلیتیک که ظرفیت تبدیل به بنیان‌های ژئوپلیتیک را دارند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- هسته‌های مرکزی و تاریخی؛ که رابط میان محیط فیزیکی هسته و نظام سیاسی- فرهنگی و مرکز تولید و توسعه ایده دولت است و تداعی‌کننده هویت ملی، منطقه‌ای و ایدئولوژی مبرز است. ۲- پایتخت‌ها و مراکز سیاسی؛ این مناطق، به‌عنوان محور و کانون سیاسی فعالیت حکومت شناخته می‌شوند و قلمرو سیاسی فعالیت و رفتارهای متقابل حاکمیت و مردم محسوب می‌شود، به‌نحوی که کنش و واکنش‌های حکومت در این مناطق، دارای بازتاب رسا و مستقیم در سطوح سه‌گانه ملی، منطقه‌ای و جهانی است. این مناطق همچون مناطق دیگر، کارکرد اداری دارند، با این وجود، وزن و ارزش این مناطق، ناشی از تصویرسازی سیاسی است که از آن ارائه شده است. اشکال سلسله‌مراتب، ارزش‌های نمادین، یادبودها، بناهای یادبود، مراکز تصمیم‌گیری حیاتی از معیارهایی‌اند که موجب ارتقاء وزن ژئوپلیتیک مراکز سیاسی و پایتخت‌ها می‌شود. ۳- آیکومنی‌ها که پرجمعیت‌ترین و فعال‌ترین نواحی اقتصادی محسوب می‌شوند؛ که ارزش آنها، به دلیل اتصال این نواحی به شبکه‌های حمل‌ونقل و خطوط ارتباطی است. ۴- سرزمین مؤثر ملی و سرزمین مؤثر منطقه‌ای؛ که از جمعیت متوسط و منابع قابل قبول برخوردارند، اما از توان توسعه‌ای بسیار بالایی برخوردارند. ۵- مناطق خالی؛ که فاقد جمعیت ساکن هستند و بسته به موقعیتی که دارند به‌عنوان عمق دفاعی و آزمایش تسلیحات به کار می‌روند. ۶- مرزها؛ که تعیین‌کننده حدود قلمرو سیاسی مناطق به شمار می‌رود و به‌عنوان منبعی از درگیری و منازعه است. ۷- بخش‌های غیرهمسان؛ که شامل بخش‌های جدایی‌طلب اقلیت‌ها در داخل دولت می‌شود (Cohen, 2008, pp.81-84).

استراتژی ژئوپلیتیک

استراتژی ژئوپلیتیک به خط‌مشی‌هایی اطلاق می‌شود که یک دولت بر پایه واقعیات فضایی- جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیک ثابت و متغیر خود اتخاذ می‌کند تا بتواند به اهداف و منافع ملی خود دست پیدا کند و مانع از رسیدن رقبای خود به اهدافشان شود (Hafeznia, 2006, p.92). به عبارتی استراتژی ژئوپلیتیک، برنامه‌ای است جامع و یکپارچه که بر پایه نگرش‌های استراتژیک یک کشور به محیط پیرامونی و بین‌المللی‌اش طراحی شده و بر اساس نوع ادارک کشور از منافع حیاتی آن کشور نسبت به محیط پیرامونی طرح‌ریزی شده است. این مفهوم برای اولین بار توسط هاوس هاوفر وارد ادبیات ژئوپلیتیک شد که معتقد بود آلمان و روسیه دو قدرت بزرگ در اروپا هستند که باید به همکاری بر اساس اشتراک منافع برسند (Ezzati, 2000, p.16).

روابط ژئوپلیتیک

روابط ژئوپلیتیک، به مجموعه روابط میان دولت‌ها، کشورها، بازیگران و کنشگران اطلاق می‌شود که ذیل محور سه‌گانه سیاست، جغرافیا و قدرت شکل می‌گیرد. هر کدام از این سه عنصر، نقش و کارکرد خاص خود را در شکل‌گیری رابطه ژئوپلیتیک بر عهده دارد. عنصر جغرافیا، بستر برقراری رابطه میان دو یا چند بازیگر سیاسی را فراهم می‌آورد؛ عنصر سیاست اراده دو بازیگر سیاسی از ماهیت رابطه را شکل می‌دهد و در نهایت عنصر قدرت مبین شکل، الگو، ماهیت و نگرش بازیگران نسبت به یکدیگر است (Hafeznia, 2006, pp.362-363). روابط ژئوپلیتیک میان بازیگران سیاسی دارای الگوهای خاص است که به اشکال متفاوتی بروز می‌کند. روابط ژئوپلیتیک میان کنشگران سیاسی از الگوهای ارتباطی متفاوتی تبعیت می‌کند و از اشکال متفاوتی همچون تعامل، رقابت، تقابل، منازعه، سلطه و نفوذ شکل می‌گیرد. این الگوها تابعی از نحوه ترکیب و تعامل عناصر جغرافیا و سیاست در بستر زمان است.

رابطه تعاملی: مؤثرترین رابطه ژئوپلیتیک، رابطه مبتنی بر تعامل است که ماهیت آن دربرگیرنده انواع ارتباطات متقابل بازیگران بین‌المللی با یکدیگر می‌باشد. لازمه شکل‌گیری رابطه تعاملی، وجود اهداف و منافع ملی مشترک میان دو یا چند کنشگر سیاسی (با وزن ژئوپلیتیک برابر و حتی نابرابر) است. رابطه سلطه: رابطه سلطه ناشی از عدم برابری و ناهمسانی قدرت دو یا چند کنشگر سیاسی است که در یک ساختار ژئوپلیتیک اقدام به بازیگری می‌کنند. در این رابطه، جهت رابطه یک‌سویه است و سمت و سوی آن از سوی بازیگر قوی به بازیگر ضعیف و کم‌قدرت است و تعیین سرنوشت دولت ضعیف به اشکال مختلف از سوی دولت قوی تعیین می‌شود (Hafeznia, 2006, p.364). در این نوع رابطه خواست طرفین مطرح نیست؛ بلکه اراده و خواست بازیگر قوی است که معادلات را تعریف می‌کند و بازیگر ضعیف، توانایی لازم برای تغییر در جهت رابطه را ندارد.

رابطه نفوذ: رابطه نفوذ، بازتاب سلطه، اقتدار و نابرابری قدرت میان دو یا چند بازیگر است. به نحوی که به جای استفاده از زور و ابزار نظامی، از سازوکار و ابزارهای سیاسی برای اعمال اقتدار خود استفاده می‌کنند (Dougherty & Pfaltzgraff, 2009, p.151).

رابطه رقابتی: علت شکل‌گیری این رابطه، وجود بازیگران سیاسی با قدرتهای نسبی برابر است که به دلیل تعارض در منافع و برای رسیدن به حداکثر منافع با رقبای خود به رقابت می‌پردازند، به نحوی که هم خود آنها به حداکثر آنچه می‌خواهند برسند و هم اجازه ندهند رقیب آنها به آنچه می‌خواهند برسند.

رابطه تقابلی: این رابطه نتیجه وضعیت شدت یافته رابطه رقابتی میان کنشگران سیاسی است، به طوری که میان بازیگران سیاسی حاضر در ساختار ژئوپلیتیک، نوعی برابری نسبی قدرت وجود دارد. با این وجود چالش آنها بر سر منافع متعارضی است که از درجه اهمیت بالایی برای طرفین برخوردار است، به نحوی که تلاش هر یک از بازیگران سیاسی برای رسیدن به هدف منجر به فضای مبتنی بر رعب و تهدید می‌شود. در این نوع رابطه، رویارویی نظامی، تسلیحاتی با درجات متفاوت بروز می‌کند و احتمال استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف مانند تسلیحات هسته‌ای نیز وجود دارد. همانند رقابت‌های تسلیحاتی و اتمی هند و پاکستان و یا رقابت غیرمتعارف اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا.

کد ژئوپلیتیک

کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیات سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Taylor, 1994, p.80). کد ژئوپلیتیک مبنای تدوین استراتژی‌های خرد و کلان است و مبنایی برای طرح نقشه عملیاتی مسیرهای آینده و پیش روی توسعه در عرصه‌های ملی و فراملی برای هر کشور و بازیگری محسوب می‌شود. در یک نظام منطقه‌ای اگر کدهای ژئوپلیتیک کشورهای منطقه در تضاد با اهداف و منافع یکدیگر و در مجموع اهداف و منافع منطقه‌ای تعریف و تدوین شده باشد، منطقه بیشتر از آنکه به سمت صلح و ثبات قدم بردارد به سمت درگیری، مناقشه و منازعه بین دولت‌ها و ملت‌های آن منطقه پیش خواهد رفت. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای منوط به وجود کدهای ژئوپلیتیک متعارض و غیرمتعارض در یک نظام منطقه‌ای است که سبب جهت‌دهی سیاست‌های منطقه‌ای می‌شود. مجموعه مؤلفه‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای موجب شکل‌گیری مجموعه راهبردهایی است که این راهبردها می‌تواند در راستای گسترش صلح، همکاری، توسعه و ارتقاء امنیت منطقه‌ای به کار گرفته شود و یا این ظرفیت را دارد که بر میزان کشمکش، درگیری و تنازعات میان کشورهای منطقه اثر بگذارد و کشورهای منطقه را به سمت درگیری با هم سوق دهد (Hafeznia, 2010).

ژنوم ژئوپلیتیک

ژنوم ژئوپلیتیک به مثابه نقشه ژنتیک جغرافیایی سیاست و برخاسته از جغرافیای یک کشور، سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Khalili, Heidari, Asqari & Sayyadi, 2014, p.41). مطالعه و شناخت نقشه ژنتیکی ژئوپلیتیک یک کشور و قدرت برنامه‌ریزی و کنترل کیفیت این عناصر، شرایط را برای واکنش‌دهی کشور فراهم می‌کند و از گسترش حوزه نفوذ و قدرت اثرگذاری دیگر رقبا در داخل مرزهای کشور هدف جلوگیری می‌کند. شناخت و بررسی دقیق ژنوم‌های ژئوپلیتیک یک کشور و کدگذاری صحیح فعالیت این ژنوم‌ها، نه تنها مانع شکل‌گیری کدهای ژئوپلیتیک برای کشورهای رقیب

می‌شود، بلکه بسترهای لازم برای تولید منابع اقتدار و بسط و گسترش حوزه نفوذ منطقه‌ای یک کشور را در ارتباط با کشورهای رقیب فراهم می‌کند (Khalili et al., 2014, pp.45-46). کد ژئوپلیتیک هر کشوری بر مبنای هدف گذاری ژئوپلیتیک آن کشور و منطق بر منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی یک کشور قابل تعریف است، از این رو شناخت دیدگاه‌های ژئوپلیتیک برآمده از ژئوم‌های ژئوپلیتیک همسایگان و شناسایی کدهای ژئوپلیتیک کشورهای هدف، باعث شکل دادن رفتارهای نظام سیاسی در مناسبات منطقه‌ای و نظام بین‌الملل می‌شود (Khalili, Heidari, Sayyadi, 2012, pp.40-41) و می‌تواند نقش مؤثری در اتخاذ سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلیتیک ایفا کند (Khalili, Sayyadi & Heidari, 2012, p.44-45).

یافته‌های پژوهشی

استراتژی ژئوپلیتیک عراق

جغرافیای عراق از دیرباز، محل پیدایش، رشد و شکوفایی بسیاری از نمودهای درخشان فرهنگی، اجتماعی و مدنی بشر بوده، از طرفی هم محل بروز تعارض، هم‌آوردی و کشمکش قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری تعارضات دینی، مذهبی، فرهنگی و... بوده است (Moujani, 2015, p.18). ساخت درونی ژئوپلیتیک عراق باعث شده تا تاریخ این کشور همواره شاهد حضور قدرت‌های مقطعی و وابسته درون جغرافیای خود باشد. عدم بلوغ ژئوپلیتیک عراق در طول تاریخ سبب شده تا جغرافیای سیاسی این کشور به موازات تغییرات سیاسی بین‌الملل همواره با تغییرات مداوم همراه باشد، به طوری که قدرت سیاسی در عراق طی دوره‌های زمانی کوتاه میان گروه‌های نظامی از طریق کودتا و بر اساس جبر و زور چرخش داشته است. بعد از فروپاشی و گسست قدرت و تجزیه ارضی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول؛ سنگ‌بنای کشور عراق بر محور سه فضای جغرافیایی اصلی شامل ۱- موصل؛ محل استقرار اکراد عراقی، ۲- بغداد؛ فضای جغرافیایی اهل تسنن عراق و ۳- بصره؛ به‌عنوان فضای جغرافیایی زیست سیاسی شیعیان عراق بنا گذاشته شد. با آغاز فرایند زیست سیاسی عراق؛ این کشور به مدت یک دهه تحت قیمومیت انگلستان قرار داشت، اما با کسب استقلال، گروه‌های سیاسی به قدرت رسیدند و در نهایت در سال ۱۹۵۸ با کودتای سرهنگ عبدالکریم قاسم، رژیم پادشاهی در این کشور سقوط کرد و حکومت جمهوری جایگزین رژیم پادشاهی گردید. با کودتا علیه قاسم، حزب بعث قدرت را در عراق در اختیار گرفت (Kavianirad, 2010, pp.76-79). حضور حزب بعث در رأس حاکمیت عراق به موازات بروز تلاطم‌های سیاسی در ساختار ژئوپلیتیک خاورمیانه و شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران که با سقوط رژیم پادشاهی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران همراه بود، شرایط برای تغییر استراتژی

ژئوپلیتیک عراق فراهم شد. تنگنای ژئوپلیتیک عراق و گسست در ساخت ژئوپلیتیک ایران در منطقه، سبب شد تا حاکمیت عراق در صدد بسط ژئوپلیتیک عراق توسعه آن باشد. لذا اقداماتی نظیر هم‌پیمانی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ائتلاف‌های منطقه‌ای بر مبنای هویت‌های ملی، اعمال فشار سیاسی و نظامی و شکل‌گیری منازعه مستقیم با ایران به مدت ۸ سال، حمله به کویت و اشغال نظامی این کشور، همگی جزء سیاست‌های منطقه‌ای عراق طی یک دهه پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که با هدف بسط ژئوپلیتیک و تثبیت قدرت منطقه‌ای عراق در این منطقه رخ داد (Mojtahedzadeh, 2015). واکنش منفی قدرت‌های جهانی به حمله عراق به کویت و ائتلاف نظامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه عراق؛ سبب انزوای ژئوپلیتیک این کشور در نظام بین‌الملل شد. افزایش فشارهای سیاسی از سوی نظام بین‌الملل و حمله نظامی ایالات متحده به عراق، به سقوط رژیم بعث عراق منجر شد. حذف حاکمیت سیاسی حزب بعث از فضای سیاسی و بروز خلأ حاکمیت مقتدر در عراق، زمینه حضور بازیگران و کنشگران مختلف از طیف‌های مختلف و با وزن‌های متفاوت در عرصه سیاسی عراق را فراهم نمود و همین عاملی شد تا گروه‌ها و جریان‌های قومی-مذهبی در صدد سهم‌خواهی قدرت در صحنه سیاسی عراق باشند. خلأ حاکمیت سیاسی واحد، مقتدر و یکپارچه که توانایی اعمال حاکمیت بر پیکره سرزمینی عراق را داشته باشد باعث شده تا در هر بخش جغرافیایی، گروه‌ها و طیف‌های سیاسی ضمن اعلام موجودیت، در صدد اعمال حاکمیت جداگانه بر پیکره بخش تحت تسلط خود باشند. استراتژی ژئوپلیتیک عراق در دهه اخیر، بر احیاء دولت-ملت‌سازی منعطف شده و به دنبال تقویت حس هویت ملی از هم‌گسیخته ملت خود هستند که تحت تأثیر هویت‌های قومی-مذهبی، در حال تجزیه و واگرایی قرار گرفته‌اند (Farajirad, Amiri, Alipour & Hashemi, 2015).

استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران

موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دو قرن اخیر به‌نحوی رقم خورده که در موقعیت حائل و در میان دو سازه قدرت جهانی قرار گرفته و همین عاملی شده تا برای تأمین منافع ملی خویش نیاز به تعامل مؤثر و فعال با سازه‌های قدرت پیرامونی داشته باشد. لازمه تعامل فعال و مؤثر با سازه قدرت‌های پیرامونی، برای کشوری که در موقعیت حائل میان دو قدرت قرار دارد این است که سیاست خارجی بی‌طرفانه، مثبت، فعال و تأثیرگذار داشته باشد و از هرگونه انفعال و تأثیرپذیری از سیاست‌های قدرت‌های پیرامونی اجتناب کند. انفعال در برابر قدرت‌های پیرامونی سبب بروز کشمکش و وقوع انواع بحران‌های قومی، ملی، مذهبی و... در درون مرزهای ملی می‌شود (Hafeznia, 2013). در شرایط فعلی و با توجه به منابع ملی بالقوه و بالفعل

در دسترس، مناسب‌ترین شرح وظایف حکومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و پیرامونی بر مبنای ارزش‌هایی است که منجر به همگرایی منطقه‌ای شود (Farajirad, 2016). سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ و حضور گسترده نیروهای نظامی ایالات متحده در پهنه سرزمینی عراق؛ که با همراهی و مشارکت نظامی بسیاری از دولت‌های اروپایی همراه بود، به موازات فعالیت‌های نظامی ناتو که با هدف حرکت به سمت شرق و هم‌جواری با مرزهای سیاسی و ژئوپلیتیک روسیه صورت گرفته بود و منجر به شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی با دولت‌های قومیت‌گرای منطقه شده بود، سبب بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی و امنیتی در محیط پیرامونی ایران شد. بر همین اساس مناسب‌ترین استراتژی ژئوپلیتیک ایران انتخاب کدهای ژئوپلیتیک است که وزن ژئوپلیتیک ایران در منطقه را ارتقاء دهد و سبب تثبیت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه شود (Farajirad et al., 2016).

کدهای ژئوپلیتیک متغیر ایران و عراق

بافت اجتماعی عراق، موزائیکی از قومیت‌ها، مذاهب و فرهنگ‌هاست که اقتضانات خود را بر رفتار سیاسی، سیاست خارجی و اقتصاد عراق تحمیل نموده است. تنوع قومی، سبب بروز ناامنی‌های بسیار در عراق شده و زمینه دخالت نیروهای همسایه در امور داخلی عراق را فراهم کرده است (Salinger & Laurent, 1995, P.22). عراق از دو قومیت غالب عرب و کرد تشکیل شده که عرب‌ها ۷۵٪ تا ۸۰٪، کردها ۱۵٪ تا ۲۰٪، ترکمنان و آشوریان حدود ۵٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. حدود ۶۰٪ تا ۶۵٪ شیعه، ۳۲٪ تا ۳۷٪ سنی و ۳٪ مسیحی و پیروان سایر ادیان هستند (Kalantari, 2016, p.62). تنوع قومی در عراق عاملی است که باعث شده هر یک از گروه‌های قومی بسته به وزن ژئوپلیتیک خود خواسته‌های سیاسی خود را بیان کنند. جدول ۱، مبین وزن ژئوپلیتیک گروه‌های قومی و مذهبی عراق است.

جدول (۱): میزان پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل گروه‌های عمده قومی - مذهبی عراقی

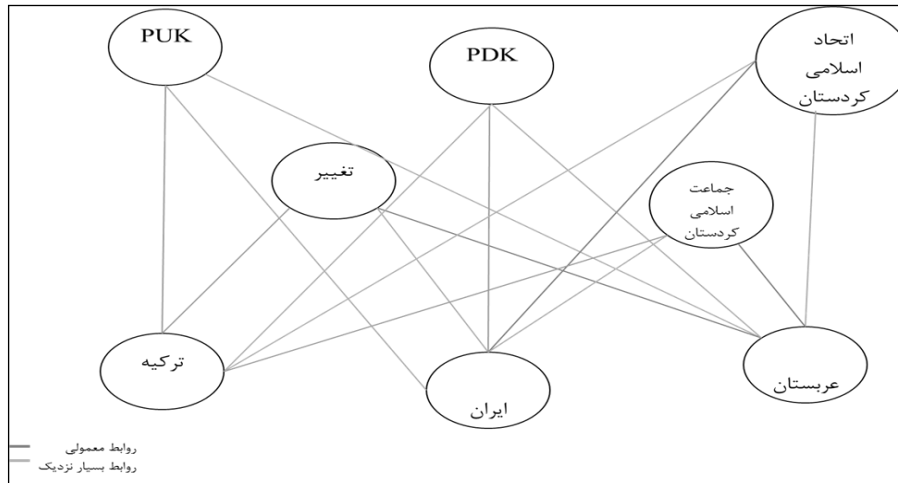
شاخص	شعیان	عرب‌های سنی	کردها	ترکمن‌ها
وسعت جغرافیایی	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	کم
تعداد و تراکم جمعیت	زیاد	متوسط	متوسط	بسیار کم
مجاورت جغرافیایی	زیاد	زیاد	بسیار زیاد	بسیار کم
منابع غنی زیرزمینی	بسیار زیاد	محدود	نسبتاً زیاد	بسیار کم

گروه قومی / شاخص	شیعیان	عرب‌های سنی	کردها	ترکمن‌ها
پیشینه مبارزه برای استقلال	بسیار کم	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم
پیشینه تمدنی	بسیار زیاد	زیاد	زیاد	کم
همسویی با گفتمان بین‌المللی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	زیاد
کادر رهبری مجرب	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
سازماندهی گروهی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
موقعیت ژئوپلیتیک	بسیار زیاد	بسیار کم	زیاد	کم
جمع‌بندی	پتانسیل بالای استقلال	پتانسیل بالا برای انزوا و عدم استقلال	پتانسیل بسیار بالا برای استقلال	پتانسیل کم برای استقلال

(جلسه خبرگی کارگروه عراق، ۱۳۹۵)

کردها عراق

کردها اقلیت بزرگی عراقی و از عوامل مؤثر ژئوپلیتیک هستند که ایران برای افزایش نفوذ خود در عراق از آنها بهره می‌برد. اکراد عراقی عمدتاً از دو حزب دموکرات کردستان عراق (PDK) و اتحادیه میهنی (PUK) تشکیل شده‌اند. در هشت سال جنگ تحمیلی، ایران با همکاری هر دو حزب، درصدد اعمال فشار به عراق بود. همچنین ایران از نزدیکی PUK و PDK و دولت اقلیم کردستان عراق جهت محدود کردن فعالیت‌های احزاب کردی مخالف جمهوری اسلامی ایران مستقر در شمال عراق سود برده است (Kevin, Williamson & Holaday, 2009, p.62) لذا از سال ۲۰۰۵ روابط خود را با هر دو حزب گسترش داد تا بتواند تأثیر بیشتر و مؤثرتری بر آینده عراق داشته باشد. از این رو ایران بسیار زودتر منطقه فدرال شمال عراق را به رسمیت شناخت، درحالی که ترکیه مسعود بارزانی را به‌عنوان رئیس قبیله می‌شناخت و همیشه از کردستان عراق به نام شمال عراق نام می‌برد. حتی در مورد کرکوک ایران حساسیت کمتری داشت. اما ترکیه به شدت مخالف الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق بود (Rogg & Rimscha, 2007, pp. 16-18).



نمودار ۱: روابط کنونی احزاب کردستان عراق با کشورهای منطقه (نگارندگان: ۱۳۹۶)

منطقه کردستان عراق به دلیل داشتن مرز مشترک با ترکیه و داعش، عامل اصلی حفظ و گسترش روابط ایران با کردستان عراق و همکاری با تمام احزاب کردی شده است. از ۲۰۱۱، ایران درصدد گسترش نفوذ خود برآمده و درمقابل ترکیه، کشورهای عرب خلیج فارس و اسرائیل درصدد کاهش آن بوده اند (Mustafa, 2016, pp. 7-8). احزاب سیاسی کردستان عراق، از عوامل مؤثر ژئوپلیتیک ایران در رقابت منطقه‌ای محسوب می‌شوند که همگرایی آنها با جمهوری اسلامی سبب گسترش قلمرو ژئوپلیتیک ایران می‌شود (Nourian, 2015). کردستان عراق دارای پنج حزب مهم سیاسی است که سه حزب اتحاد میهنی، جماعت اسلامی و گوران همگرا با جمهوری اسلامی در سلیمانیه قرار دارند و با دموکرات کردستان عراق اختلاف دارند. عادل مراد از بنیان‌گذاران حزب اتحاد میهنی به‌طور صریح گفته که کردها باید از ورود ایران در رویدادها برخلاف ترکیه و عربستان استقبال کنند (Berman, 2016, p.34).

کردستان عراق از لحاظ ژئوپلیتیک دارای شرایط نامناسبی است و منابع درآمد آن ناچیز هستند، لذا به صادرات نفت و منابع گازی روی آورده است. از این‌رو برای صادرات این منابع، از سال‌های گذشته با ترکیه و به تازگی با ایران وارد مذاکره شده‌اند و قرار است کردستان عراق و ایران توافقنامه‌ای امضاء کنند که کردستان عراق روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت از طریق ایران صادر کند. صادرات نفتی کردستان عراق از طریق خلیج فارس از عوامل مهم ژئوپلیتیک برای حفظ رابطه ایران با کردهای عراق خواهد شد (Salih & Naser, 2016).

هویت عربی - هویت مذهبی

با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تولد عراق کنونی، چالش هویت ملی، گریبان عراق را گرفت، لذا از ابتدا به دنبال شکل دادن یک هویت مستقل بوده است. بیشتر جمعیت عراق شیعه است و همین عاملی شده تا روابط نزدیکی با ایران داشته باشند با این وجود علی‌رغم وجود روابط نزدیک میان شیعیان عراقی و ایرانی، عراقی‌ها همیشه درصدد هستند هویتی جدا از هویت ایرانی برای خود تعریف کنند. مقتدا صدر نمونه‌ای است که علی‌رغم داشتن روابط خوب با جمهوری اسلامی ایران، دارای حسن ناسیونالیستی بوده و همواره بر هویت عراقی تأکید دارد (Daragahi, 2007).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق منبع: (Kurdpress.com, 2016)

حشد الشعبی (بسیج مردمی)

در سال ۲۰۱۴، آیت‌الله سیستانی طی فتوایی، عراقی‌ها را به تشکیل نیروهای برای دفاع از کشور، مردم و مکان‌های مقدس دعوت کرد. این فتوای جهادی بعد اشغال داعش در موصل، صلاح‌الدین، الانبار، دیاله و کرکوک و تهدید به اشغال کربلا، نجف و بغداد داده شد. در واکنش به این فتوا، صدها هزار جوان به‌خصوص در مناطق شیعه‌نشین عراق به این فتوا پاسخ مثبت دادند. بعد از آن دولت عراق تصمیم به استقرار نیروهای دواطلب بسیج مردمی کرد و بسیاری از مناطق تحت کنترل در جنوب بغداد، دیاله و

صلاح‌الدین را برای آزادسازی مدیریت کرد (Al-kadhim, 2015). بسیاری از گروه‌های جهادی همچون سازمان بدر، کتائب حزب الله، کتائب سید الشهداء، عصائب اهل حق، جیش المهدی، کتائب امام علی، سرای عاشورا، سرای السبلم، سرای خراسانی و غیره (TRAC, 2015) در این نیرو ادغام شده‌اند. محوریت این سازمان، مبتنی بر اندیشه سیاسی شیعی است که حول مفاهیم جهاد، قیام، امر به معروف شکل گرفته است فلذا از سوی جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی در آموزش نیروها صورت گرفته است چنانکه برای نمونه می‌توان به گفته یکی از رهبران ارشد نیروهای بسیج مردمی اشاره کرد (ابو مهدی مهندس) که بیان می‌کند آمریکا نخست در سال ۲۰۱۴ به درخواست عراق برای کمک به حکومت عراق تمایلی نداشت و کمک نکرد، اما همان زمان از ایران درخواست همکاری شد و ایران به مقدار کافی برای مقابله با این گروهک به حکومت عراق کمک کرد (Al-Mohandes, 2016).

مجلس اعلای اسلامی عراق

در سال ۱۹۸۲ در تهران توسط عراقی‌های تبعیدی شکل گرفت و تا سال ۲۰۰۳ در ایران بودند. بخش نظامی آن سپاه بدر است. بعد از سال ۲۰۰۳ هزاران نفر از سپاهیان بدر به جنوب عراق وارد شده و بسیاری از آنها وارد نیروهای امنیتی عراق، به‌ویژه ارتش و پلیس ملی شده‌اند.

حزب الدعوة

حزب‌الدعوة در دهه ۵۰ میلادی شکل گرفت و از حمایت جمهوری اسلامی ایران در دوره درگیری مخفیانه با عراق بهره جست. بعد از سال ۲۰۰۳، حزب دعوه وارد فرایندهای سیاسی شد و در سال ۲۰۰۵ نوری مالکی به‌عنوان رهبر این حزب، توسط اکثر رهبران دولت اعلای اسلامی و صدری‌ها برای کاندیدای نخست‌وزیری انتخاب شد.

صدری‌ها

صدری‌ها به‌عنوان قدرت عمده در عرصه سیاسی و عراق در سال ۲۰۰۳ ظهور پیدا کرده‌اند. رهبری این حزب با مقتدا صدر است که شهرت خود را به دلیل عقاید ضد آمریکایی و قدرت و ورزیدگی جیش المهدی به دست آورده است و طبقه فقیر شهری شیعه از حامیان اصلی وی به شمار می‌روند (Eisenstadt, 2015).

کدهای ژئوپلیتیک ثابت ایران و عراق

نجف و کربلا

نجف و کربلا برای جمهوری اسلامی ایران قلب تاریخ شیعه را ترسیم می‌کنند (Khan, 2014). این دو شهر مکان‌های مهم و مقدس ایرانیان است که هر ساله پذیرای تعداد کثیری از ایرانیان برای زیارت می

باشد. از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ نزدیک به ۱,۲ میلیون زائر ایرانی به زیارت نجف، کربلا، کاظمین و سامرا رفته‌اند (Eisenstadt, 2015). نجف، کربلا و شهرهای زیارتی عراق، نقش مهمی در نزدیکی روابط سیاسی عراق و ایران دارد.

بغداد

بغداد از مکان‌های جغرافیایی عراق است که نقش ژئوپلیتیک مؤثری بر روابط ایران و عراق دارد که بیشتر جنبه سیاسی و حکومتی آن مدنظر است. بغداد مبتنی بر محور دجله، گسل تمدنی ایران و رم محسوب می‌شود (Moujani, 2015, p.11) و به دلیل استقرار مراکز مهم دولتی در این شهر به عنوان پایتخت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوع و ترکیب گروه‌هایی که قدرت را در بغداد به دست می‌گیرند بسته به ژئوپلیتیک تمدنی‌شان، اهمیت بسزایی برای رقابت منطقه‌ای دارد. در حالی که ایالات متحده و کشورهای منطقه از استقرار یک حکومت مبتنی بر اهل تسنن عراقی حمایت می‌کنند، ایران از ۲۰۰۳ تلاش کرده تا کردها و شیعیان در بغداد قدرت را در اختیار داشته باشند تا نفوذ خود را حفظ کند (Nader, 2015). از این رو جمهوری اسلامی از ۲۰۰۵، در تمام زمینه‌ها به‌ویژه در جنگ با داعش به حکومت مرکزی عراق کمک نموده است.

موصل

موصل، فضای جغرافیایی است که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود، از گذشته مورد مناقشه تمام گروه‌ها و قدرت‌های درونی و خارجی در عراق بوده است. مختصات جغرافیایی و ویژگی شهری موصل، این شهر را تبدیل به هاب زمینی در منطقه کرده که می‌توان از طریق آن به هر منطقه‌ای دست پیدا کرد، لذا ژئوپلیتیک موصل مبتنی بر ژئوپلیتیک دسترسی است که به این شهر ارزش جغرافیایی خاصی داده است. تصرف و یا تسلط بر موصل، از سوی هر گروه و جریان سیاسی - ملی، بر میزان نفوذ آن جریان تأثیر بسزایی دارد. لذا هر کشوری به دنبال نفوذ خود بر این شهر بعد از سقوط داعش است. به دلیل قرارگیری موصل بر سر راه ایران، کردستان عراق و کردستان سوریه و در نهایت حکومت سوریه؛ تسلط ارتش عراق و نیروهای بسیج مردمی بر این شهر، اهمیت بسزایی برای عمق ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در سوریه و منطقه شامات دارد (Iraqi Committee in Defense Strategy Research Center of practice session, 2016).



نقشه ۲: نقشه موصل منبع: (amazonnews.com)

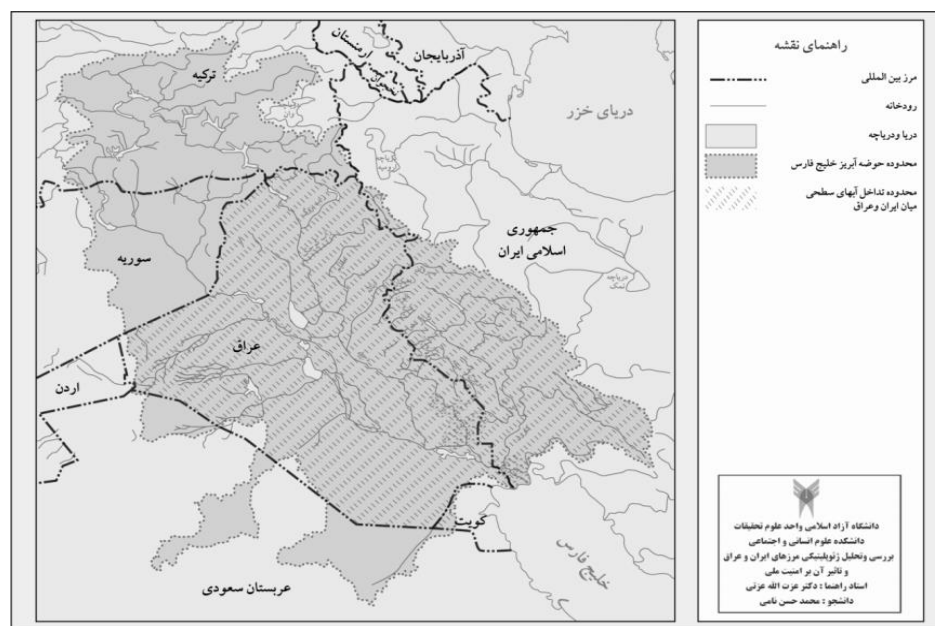
هیدروپلیتیک ایران و عراق

از مهم‌ترین کدهای ژئوپلیتیک عراق، هیدروپلیتیک آن است و پیش‌بینی می‌شود در آینده از اولویت‌های اصلی چالش‌برانگیز سیاست خارجی عراق باشد. هم‌اکنون منابع آبی عراق، از سوی ترکیه و سوریه به‌عنوان دو ضلع مثلث حوزه دجله و فرات؛ تحت فشار است. سدسازی‌های ترکیه و همچنین سیاست‌های آبی تهدیدآمیز سوریه، به‌شدت بر نگرانی عراق افزوده است. شدت خشکسالی‌ها، نیاز روزافزون دو کشور ترکیه و سوریه به آب، احتمال بالای بروز جنگ آب میان کشورهای منطقه در آینده نزدیک و همچنین استفاده ابزاری ترکیه از آب جهت کنترل عراق در حمایت از نیروهای پ.ک.ک، سبب شده تا ترکیه و سوریه هرچه بیشتر درصد کنترل منابع آبی سرشاخه‌های دجله و فرات باشند. از سوی دیگر یکی دیگر از منابع هیدروپلیتیکی عراق، منابع آبی مشترک میان ایران و عراق است که به پنج دسته رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، هورها، سدها و آب‌های ساحلی خلیج فارس تقسیم می‌شوند (Ezzati, 2002, p.27). به‌دلیل موقعیت بالادستی ایران نسبت به عراق، مسیر رودخانه‌های مرزی ایران و عراق، شرقی غربی است و در پس کرانه‌های رشته‌کوه زاگرس آبخوان‌های طبیعی شکل گرفته‌اند که به‌سوی عراق جریان دارد و به حوزه آبریز پهنه سرزمینی عراق سرازیر می‌شوند و همین عاملی شده تا به آمار حجم آب‌های در دسترس عراق، آمار میزان آب‌های سطحی که از ایران وارد عراق می‌شود افزوده شود، که سالانه در حدود ۹/۷ میلیارد متر مکعب می‌باشد. به‌طوری که از مجموع ۳۰ میلیارد متر مکعب آب‌هایی که سالانه توسط ۶۸ رودخانه از مرزهای ایران خارج می‌شود ۴ میلیارد متر مکعب به حوزه آبریز عراق می‌ریزد

(Rashid, 2008, p.78). (نقشه ۳). لذا سرانه آب ایران در سال ۲۰۱۱ م. حدود ۱۸۵۰ متر مکعب و سرانه آبی هر نفر در سال ۲۰۱۱ در عراق ۲۸۵۰ متر مکعب در سال برآورد شده است (جدول ۲، وضعیت منابع آبی ایران و عراق) (Kalantari, 2016, p.86).

جدول (۲): وضعیت منابع آبی ایران (۱۳۹۴) و عراق (۱۳۹۳) (Kalantari, 2016, p.86)

کشور	مساحت (km ²)	متوسط بارش سالیانه (میلیارد متر مکعب)	حجم ریزش بارش (میلیارد متر مکعب)	حجم آب‌های سطحی (میلیارد متر مکعب)	منابع آب‌های زیر زمینی (میلیارد متر مکعب)
ایران	۱۸۷۳۹۵۹	۲۵۰	۳۴۰	۸۴/۶۲۲	۲۹
عراق	۴۳۷۰۷۲	۷۶	۸۰	۷۸	۲



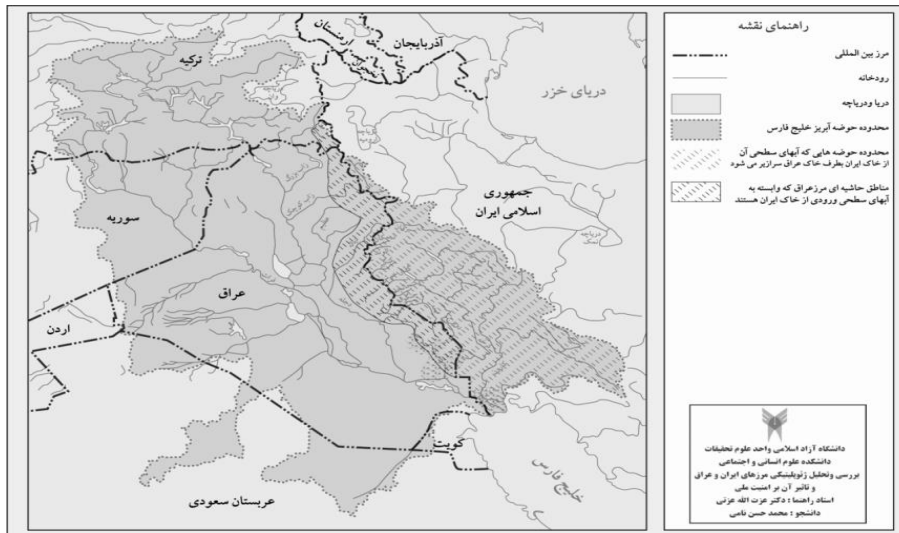
نقشه ۳: تداخل حوضه‌های آبریز ایران و عراق و رودخانه‌های ورودی ایران به خاک عراق (Ezzti & Nami, 2008, p.102)

با وجود اینکه سرانه آبی عراق نسبت به ایران بالاتر است، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع آبی آن با تهدید جدی مواجه است و در تنگنای هیدروپلیتیکی قرار دارد و ایران و ترکیه به دلیل قرار گرفتن کانون‌های آبگیر و سرچشمه رودخانه‌های عراق در قلمروشان از مزیت‌های هیدروپلیتیکی بسیار بالایی

نسبت به عراق برخوردار هستند (نقشه ۴). علاوه بر دجله و فرات؛ شط العرب و چهار رودخانه فرعی زاب کوچک، زاب بزرگ، دیاله و عظیم رود در عراق جریان دارد که به رودخانه دجله پیوند می خورد. با توجه به سرچشمه گرفتن زاب کوچک، دیاله و بیست و پنج رودخانه کوچک از دامنه های غربی سلسله جبال زاگرس در ایران، سالانه حدود ۹/۷ میلیارد متر مکعب از آب های سطحی عراق از طریق حوضه آبریز ایران تغذیه می شوند و نزدیک به یک پنجم آب رودخانه دجله از آب های سطحی ایران می باشد (Nahazi, 1999, p.71).

جدول (۳): وضعیت منابع آبی و میزان سرانه آب در ایران و عراق در سال ۱۳۹۳
(Kalantari, 2016, p.89)

کشور	مساحت (km ²)	جمعیت در سال ۲۰۱۱ م	حجم آب دریافتی از بارش (m ³)	حجم آب های سطحی (m ³)	حجم آب های زیرزمینی (m ³)	مقدار آب قابل استحصال (m ³)	سرانه آب در سال ۱۳۹۳ (مترمکعب)
ایران	۱۸۷۳۹۵۹	۷۴۸۰۰۰۰۰	۲۵۰	۸۴	۲۹	۱۱۳	۱۷۳۰
عراق	۴۳۵۰۵۲	۳۲۷۰۰۰۰۰	۸۰	۷۸	۲	۸۰	۲۷۱۰



نقشه ۴: مناطق حاشیه مرز عراق استفاده کننده از آب های سطحی ورودی از خاک ایران
(Ezzati & Nami, 2008, p.116)

اروندرو

یکی از عوامل مؤثر ژئوپلیتیک در روابط ایران و عراق، شط العرب یا اروندرود است که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید آمده است که در محلی به نام قصبه فیلکبه به ایران می‌رسد (Mansouri, 2003, p.48). با توجه به اشتراک این رود میان ایران و عراق، طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور از حقوق یکسانی برخوردارند. این رودخانه باید به روش تالوگ تعیین مرز می‌شد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر رودخانه بوده و مرز را ساحل ایران می‌دانست؛ با این فرض اروندرود جزو آب‌های داخلی عراق به‌شمار می‌آمد و استفاده ایران از این رودخانه باید با اجازه عراق انجام می‌شد (Parsapour, 2010). با انعقاد عهدنامه الجزایر حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رهبران عراق بارها خواستار برقراری حاکمیت مطلق آن کشور بر اروندرود شدند و خواستار بازگشت به مواضع قبل از سال ۱۹۷۵ بودند (Jafari, 1999, pp.40-45).

آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک و محدودیت دسترسی عراق به سواحل خلیج فارس سبب شده تا تعارضات مرزی ایران و عراق در اروندرود، مهم‌ترین مسئله هیدروپلیتیک و منبع بحران و تنش در روابط دو کشور باشد (Rashid, 2008, p.92). اروندرود تنها مسیر دریایی حیاتی عراق در خلیج فارس است که مرز دو کشور در شش کیلومتر ابتدایی آن با خلیج فارس، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را کاملاً اثبات نموده؛ زیرا بلافاصله پس از جنگ، دسترسی عراق به این آبراه قطع شد (Fuller, 1998, p.49).

ادعاهای انضمام طلبانه کشور عراق

یکی از کدهای ژئوپلیتیک اصلی و مؤثر بر روابط ایران و عراق، استان خوزستان ایران است. این استان با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد، و به لحاظ هویت تاریخی همواره مورد ادعای عراق بود. عراق با استناد به نژاد عرب آنها ادعاهای توسعه طلبانه خود را درباره تجزیه خوزستان مطرح می‌کرد. با پایان جنگ جهانی اول و تجزیه عثمانی و تولد کشورهای ترکیه، عراق، کویت و...؛ شیخ خزعل نیز درصدد تجزیه خوزستان و حکمرانی بر آن برآمد که با مداخله ارتش رضاشاه غائله خزعل پایان گرفت (Hosseini, 2009, pp.157-158). مجموعه فعل و انفعالات سیاسی خوزستان زمینه‌ای شد تا عراق طرح ادعاهایش را درباره این منطقه، به‌ویژه پس از انقلاب ایران مطرح کند و تلاش‌های گسترده‌ای برای تجزیه خوزستان انجام دهد. مشکلات ناشی از انقلاب و ضعف دولت مرکزی ایران وضعیت مساعدی برای عراق فراهم کرده بود تا مطامع توسعه طلبانه خود را درباره خوزستان عملی کند. وجود اقلیت عرب جدایی طلب خوزستان، این استان را در کانون

توجه و مداخلات زمامداران عراق قرار داد، به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در استراتژی ژئوپلیتیک این کشور جایگاه ویژه‌ای یافت. عراق در تلاش بود با القاء آموزه‌های پان‌عربیسیم و جذب نواحی عرب‌نشین زمینه جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین اقدامی سبب شد تا زمامداران عراق در اشغال خوزستان برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. به عقیده آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود گیرد. از این‌رو، در گام اول عراق سعی در تحریف تاریخ خوزستان می‌کرد که در این خصوص به چاپ نقشه‌هایی از کشور خود اقدام کرد که خوزستان نیز با نام عربستان جزو آن بود (Rashid, 2009, pp. 64-66). جریانات و گروه‌های تجزیه‌طلبی همچون اتحادیه عرب خوزستان، جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه التحریر خوزستان، فداییان خلق و حزب کارگران سوسیالیست از جمله گروه‌ها و تشکل‌های جدایی‌طلبی هستند که در صددند تا زمینه جدایی‌طلبی از دولت مرکزی ایران را فراهم کنند (Bijani & Ezzati, 2008, pp. 18-).

تنگناهای دسترسی عراق به خلیج فارس

محصور بودن نسبی عراق در خشکی نوعی تنگنای ژئوپلیتیک به لحاظ دسترسی به آب‌های آزاد محسوب می‌شود و تمایل استراتژیک عراق را برای حضوری وسیع‌تر در خلیج فارس برجسته می‌کند (Kamp & Harkavi, 2009, p.143). طول کرانه دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است که در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار دارد. با احتساب طول آبراه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد، لذا کرانه‌های جنوبی به دلیل عدم تأمین نیازهای عراق، اثربخشی کافی را ندارند (Asadi, 2002, p.46). بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندرود هستند که به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن برای رفت و آمد نفت‌کش‌ها مناسب نیستند. این امر یکی از مشکلات ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی محسوب می‌شود، طوری که رفتار سیاسی- نظامی عراق را تحت تأثیر قرار داده و از بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک ممانعت می‌کند. در چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است (Hafeznia, 2006, p.178). از این‌رو، گسترش خط ساحلی و دسترسی آسان به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف استراتژیک عراق بوده و خواهد بود که این مهم از طریق پیوستن خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری این کشور بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست کم حاکمیت بر دو جزیره کویتی وره و بویان امکان‌پذیر است. وضعیت نامساعد کرانه‌ای عراق سبب شده است تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران،

عراق و کویت نیاز دارد، هرگز عملی نشود. در واقع این کشور به دلیل مشکلات ژئوپلیتیک انگیزه‌ای برای حل موضوع ندارد و منافع خود را در حل و فصل نشدن آن ارزیابی می‌کند (Karimipour, 2000, pp. 84-85).

نتیجه‌گیری

طی نیم قرن گذشته نگاه ایران و عراق به یکدیگر، نگاهی امنیتی بوده است. در شرایط کنونی، با افزایش وزن عناصر همگرا با جمهوری اسلامی ایران در صحنه سیاسی عراق، گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به همکاری نزدیک شده است. عراق از لحاظ ژئوپلیتیک، اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک؛ همگی از عوامل دارای ارزش قدرت‌آفرین برای عراق محسوب می‌شود. به موازات عوامل ثابت ژئوپلیتیک، عوامل متغیر ژئوپلیتیک همچون ترکیب قومی-مذهبی، سرمایه انسانی و... نیز هستند که نه تنها برای عراق ارزش ژئوپلیتیک دارند، بلکه نیروی مؤثری محسوب می‌شوند که می‌توانند به عوامل ثابت ژئوپلیتیک عراق جهت بدهند و در برقراری رابطه بین دو واحد مستقل سیاسی، به هریک از این عوامل وزن می‌دهد. دیپلماسی؛ هنر سیاست‌گذاری خارجی است. سیاستی که بتواند به خوبی قدرت ملی یک کشور را منعکس کند و دامنه ژئوپلیتیک یک کشور را گسترش دهد. این هنر زمانی به خوبی نمایان می‌شود که بتواند از تمام متغیرهای موجود و حتی متغیرهایی که در ظاهر وجود ندارد؛ به عنوان منابع و دارایی راهبردی استفاده کند و در جهت افزایش دامنه قدرت خود در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی استفاده کند.

عراق دارای مؤلفه‌های ژئوپلیتیک بسیاری دارد که تمام آنها بر روی روابط با جمهوری اسلامی ایران اثرگذار هستند که برخی دارای اثر مثبت و برخی حائز اثر منفی هستند. اما نکته اصلی، سطح و دامنه ژئوپلیتیک ایران است که لازم است مورد توجه قرار گیرد و لازم است این عوامل ژئوپلیتیک را در چارچوب استراتژی ژئوپلیتیک دو کشور تجزیه و تحلیل کرد. عراق کشوری جنگ‌زده است که قدرت ملی‌اش در درون مرزهای جغرافیایی و سیاسی خود، هنوز به طور جامع و مانع به رسمیت شناخته نمی‌شود، لذا کدهای ژئوپلیتیک که برای خود تعریف می‌کند صرفاً بر رابطه دو جانبه عراق و ایران اثرگذار است، اما چنان که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیز به این موضوع اشاره شده؛ ایران دارای کد منطقه‌ای است و استراتژی ژئوپلیتیک که برای ایران ترسیم شده، بازیگری و ایفای نقش مؤثر در سطح منطقه است. لذا کدهای ژئوپلیتیک عراق، متغیرهایی هستند که باید به کار گرفته شوند تا سطح، عمق و نفوذ ژئوپلیتیک ایران در منطقه را افزایش دهند. استفاده عراق از کدهای ژئوپلیتیک خود جهت تنظیم روابط با ایران بر

کیفیت و نوع جهت‌دهی استراتژی ژئوپلیتیک ایران در منطقه بسیار مؤثر است. لذا برای تحلیل بهتر باید چنین گفت که عناصر ژئوپلیتیک عراق، بر ایجاد روابط بهتر میان عراق و ایران اثر می‌گذارد و روابط حسنه میان ایران و عراق، سبب استفاده ایران از این کدهای ژئوپلیتیک شده و بهره‌گیری از این کدهای ژئوپلیتیک توسط ایران منجر به گسترش دامنه ژئوپلیتیک ایران در منطقه می‌شود. سیاست خارجی عراق که منبعث از رویکرد حاکمیت می‌باشد، اهمیت بسزایی در کیفیت روابط ایران و عراق دارد. سیاست تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته همواره عامل نگرانی کشورهای همسایه و همچنین ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده است. نگاهی عمیق به بحران‌های پیش‌آمده در دهه‌های اخیر، مانند سه جنگ خانمان‌سوز و روابط خصمانه عراق با کشورهای همسایه، نشان می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی یعنی حاکم بر این کشور از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۳ نوعی ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران مربوط به موقعیت و وضعیت ژئوپلیتیک عراق دارد. وضعیت خاص ژئوپلیتیک عراق، از جمله عواملی است که در این میان می‌تواند به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد. موقعیت ژئوپلیتیک عراق، از جمله عواملی است که همواره سیاست خارجی این کشور را به شکل‌های متفاوت، متأثر ساخته است؛ البته تأثیر این عامل در کنار عواملی مانند ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی مختلف با نوسان‌هایی دچار بوده ولی به‌طور تقریبی همیشه به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق به حساب آمده است. وجود منابع عظیم نفتی در عراق، مشکلات این کشور در دسترسی به آب‌های آزاد، وجود مرزهای طبیعی و تحمیلی با همسایگان و اختلاف بر سر نحوه استفاده از رودهای مشترک، وجود اقوام و مذاهب مختلف در این کشور که زمینه‌ای مناسب برای پدید آمدن واگرایی‌ها در داخل کشور است می‌توانند به‌عنوان ویژگی‌های ژئوپلیتیک و عوامل بروز چالش میان عراق و همسایگانش برشمرده شوند که سیاست خارجی این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. تاریخ معاصر عراق به‌خوبی نشان‌دهنده آن است که شرایط ویژه ژئوپلیتیک عراق، فارغ از نوع حکومتی که در این کشور بر سر کار بیاید، همواره از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی این کشور بوده است؛ با این وجود، نوع حکومت عراق و رویکردی که حزب حاکم دارد، جهت تهاجم را مشخص می‌کند.

ایران و عراق در منطقه ژئواستراتژیک جنوب غرب آسیا، از موقعیت و شرایط ویژه‌ای برخوردارند و طی دهه و بلکه سده گذشته همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته‌اند، با این وجود عوامل و ارزش‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک دو کشور یکسان نیست. در جریان تقابل کدهای ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق، براساس برتری نسبی موقعیت و وزن ژئوپلیتیک بیشتر ایران، و گرفتاری

ژئوپلیتیک کشور عراق در زمینه دسترسی به خلیج فارس و پیوندهای مذهبی شیعیان و نژادی کردها با ایران، در صورت استفاده از موقعیت و وزن ژئوپلیتیک در سیاست‌گذاری‌های ایران در عرصه سیاست خارجی، توانایی تغییر رفتار عراق به وسیله ایران وجود دارد، به نحوی که بتوان از عوامل و ارزش‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک استفاده کرد، تا ضمن چیرگی بر سطح قدرت عراق، دامنه قدرت عراق را در مواجهه با سطح قدرت ملی و منطقه‌ای ایران محدود ساخت و شرایط را برای چرخش و پیروی از سیاست‌های ایران فراهم کرد.

عراق جزو لاینفک در استراتژی ژئوپلیتیک ایران است، بنابراین هرگونه اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن نقش این کشور ناقص است. با توجه به بررسی‌های صورت پذیرفته شده در این مقاله بنیان‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر روابط دو کشور عراق و ایران را می‌توان به اولویت انرژی و تعاملات اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، تعامل با اکراد و حمایت از آنان با هدف جلوگیری از گسترش و نفوذ ژئوپلیتیک ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس و ضمانت دسترسی به مسیر ارتباطی از کردستان عراق به موصل و در ادامه به سنجان و در نهایت به حصکه سوریه و ارتباط با حکومت سوریه و تقویت جبهه مقاومت؛ روابط مذهبی بر پایه مذهب شیعه و تعلق خاطر مردم دو کشور به مراکز مهم مذهبی و نیز مرزهای دو کشور دانست. در واقع برای ارائه یک استراتژی ژئوپلیتیک مناسب میان ایران و عراق می‌بایست این فاکتورهای مهم ژئوپلیتیک لحاظ گردد. به هر جهت آنچه مبرز است وجود تنگناهای ژئوپلیتیک است که گریبان عراق را گرفته و وجود همین تنگناهای ژئوپلیتیک سبب شده تا عراق از لحاظ ژئوپلیتیک به ایران وابستگی پیدا کند. این وابستگی ژئوپلیتیک سبب شده تا عراق مجبور به اتخاذ سیاست مثبت و یا منفی در برابر ایران باشد. به عبارت بهتر ژئوپلیتیک عراق باعث شده تا همواره یا با ایران و یا علیه ایران باشد و اتخاذ سیاست خنثی و بی‌طرفی از سوی عراق نسبت به ایران عملاً غیرممکن باشد. وجود حکومت قدرتمند و مقتدر در عراق که توان عرض اندام در برابر ایران را داشته باشد، به سبب آنکه در صدد است تا از میزان وابستگی ژئوپلیتیک خود نسبت به ایران بکاهد، همواره باعث افزایش چالش ژئوپلیتیک میان طرفین خواهد شد؛ با این وجود حضور حکومت ضعیف در عراق، منجر به افزایش وابستگی ژئوپلیتیک این کشور به ایران خواهد شد و در چنین شرایطی شاهد شکل‌گیری حداکثر همگرایی منطقه‌ای میان دو کشور خواهیم بود.

قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری با عنوان ژئوپلیتیک روابط ایران و عراق می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران انجام شده است. از توجهات و زحمات آقای دکتر عبدالرضا

فرجی‌راد که راهنمایی رساله اینجانب را پذیرفتند و همین‌طور آقای دکتر رحیم سرور که مشاورت رساله را بر عهده داشتند قدردانی نموده و سپاسگزار آنها می‌باشم.

References

- Al-Kadhim, M. (2015). Will Sistani be able to control popular mobilization forces? <http://www.al-monitor.com/pulse/ru/contents/articles/originals/2015/03/iraq-sistani-righteous-jihad-fatwa-popular-mobilization.html>
- Al-Mohandes, M. (2016). Sectarian Provocations in Fallujeh Undermine the Offensive Against the Islamic State.
- Asadi, B. (2002). The Persian Gulf and its Issues. Tehran: Samt Pub. P.46. (in Persian).
- Berman, L. (2016). The Iranian Penetration of Iraqi Kurdistan, Institute for Contemporary Affairs, 16(3), 34.
- Bijani, A., & Ezzati, E. A. (2008). Autopsy movements and ethnic groups in Khuzestan province. Geographical territory quarterly. 5(20), 18-21 (in Persian).
- Cohen, S. B. (2008). Geopolitics of the world system. Tehran: The Cultural Institute of Contemporary Abrar International Studies. 81-84 (in Persian).
- Daragahi, B. (2007). Iraq conflict is a battle for identity, Los Angeles Times, <http://www.latimes.com/la-fg-persian16apr16-story.html>
- Dougherty, J., & Pfaltzgraff, R. (2009). Contending Theories of International Relations: a comprehensive, Survey, New Yourk and Other Places: Longman. 151.
- Eisenstadt, M. (2015). Iran and Iraq. Military and Security Studies Program at the Washington Institute for Near East Policy.
- Ezzati, E. A. (2000). Geostrategic. Tehran: Samt. 19. (in Persian).
- Ezzati, E. A. (2002). An analysis of the geopolitics of Iran and Iraq. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Institute Press. 27. (in Persian).
- Ezzati, E. A., & Nami, M. H. (2008). Analyzing the geopolitical borders of Iran and Iraq and its impact on national security. Unpublished doctoral dissertation, Islamic Azad University, Science and Research Branch. 102, 116. (in Persian).
- Farajirad, A. R., (2015). The key to success Brjam: the need for a national strategy on foreign policy. <http://www.irdiplomacy.ir>
- Farajirad, A. R.; Amiri, H.; Hashemi, S. M., & Alipour, A. (2015). Experts meeting Iran's geopolitical strategy in the region. Islamic Azad University, Science and Research Branch. (in Persian).
- Fuller, G. (1998). Pivot of the Universe, Iran's geopolitical. Tehran: Markaz Pub. 49 (in Persian)
- Hafeznia, M. R. (2013). Iran's foreign policy orientation should be? <http://www.hafeznia.ir>. (in Persian).

- Hafeznia, M. R., (2006). Principles and concepts of geopolitics. Mashhad: Papoli. Pp.92, 178, 362-364. (in Persian).
- Hafeznia, M. R., (2010). Geopolitical theory production strategy for peace, security and development. <http://www.hafeznia.ir>. (in Persian).
- Hosseini, H. (2009). Investigate the causes of the Iran-Iraq war. Proceedings of the analysis of the Iran-Iraq war: the invasion of roots. Tehran: Iranian Revolutionary Guards Islamic Revolution War Studies & Research Center. 157-158. (in Persian).
- Hosseinpour, P. R. (2013). Geographic and geopolitical component in geopolitical relations. *Geopolitics Quarterly*. 2(9), 169. (in Persian).
<http://amazonnews.com>, <http://www.kurdpress.com>
<http://iranprimer.usip.org/resource/iran-and-iraq>
<https://kyleorton1991.wordpress.com/tag/abu-mahdi-al-mohandes/>
<https://wikimedia.org>
 Iranian military advisors in Iraq upon official request: Iraqi official. PressTv.<http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/03/iraq-sistani-righteous-jihad-fatwa-popular-mobilization.html#ixzz4NpUxWKqR>
- Iraqi Committee in Defense Strategy Research Center of practice session. Tehran: Defense Strategy Research Center.
- Jafari, V. A. (1999). Investigating the Iran-Iraq Treaty of 1975. *Political & Economic Ettelaat*, 247, 40-55. (in Persian).
- Kalantari, F. A. (2016). The role of geopolitical factors on the Islamic Republic of Iran's defense strategy in the face of threats from Iraq Territory Source. Unpublished doctoral dissertation. The Supreme National Defense University. 62, 86, 89. (in Persian).
- Kamp, J., & Harkavy, R. (2009). Strategic geography of the Middle East: history, concepts and issues. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. 143 (in Persian).
- Karimipour, Y. A. (2000). Introduction to Iran's relations with neighbors. Tehran: Jihad Teacher Training University. 84-85. (in Persian).
- Kavianirad, M. (2010). Saddam era in Iraq's vital geopolitical strategy of the sense of space. *Negin Iran Quarterly*. 32(9), 76-79. (in Persian).
- Kevin M. W.; Williamson M., & Holaday. T. (2009). Saddam's War: An Iraqi Military Perspective on the Iran-Iraq War. Washington, D.C.: Institute for National Strategic Studies, National Defense
- Khalili, M.; Heidari, J.; Asqari, S. H., & Sayyadi, H. (2014). Geopolitical genome codes of conduct effective foreign policy of Iran and Russia. *World Policy Quarterly*. 1(3), 41, 45-46. (in Persian).
- Khalili, M.; Heidari, J.; Sayyadi, H., & Asqari, S. H. (2012). Geopolitical genome influencing the foreign policy of Iran and Azerbaijan. *World Policy Quarterly*. 1(3), 40-41 (in Persian).

- Khalili, M.; Sayyadi, H., & Heidari, J. (2012). Genome Code and geopolitical foreign policy (Case Study: Turkey and Iran). *Central Eurasia Studies Quarterly*. 1(11), 44-45. (in Persian).
- Khan, I. (2014). Why is Iraq so important to Iran? Iraq's future is crucial to Iran: it is a natural Shia ally, a neighbour, and the site of many Shia landmarks. <http://www.aljazeera.com/blogs/middleeast/2014/06/99126.html>
- Mansouri, J. (2003). *Survey the foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: AmirKabir. 48
- Mojtahedzadeh, P. (2015). Expert interviews about Iraqi geopolitical threats against Iran. Islamic Azad University: Tehran-South Branch.
- Moujani, S. A. (2015). The roots of the revival of the Islamic caliphate and its geopolitical influence. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. 11, 18.
- Mustafa, S. M. (2016). Iran's Role in the Kurdistan Region. *Al-Jazeera Centre for Studies*. 7-8. <http://studies.aljazeera.net>
- Nader, A. (2015). What Are the Iranians Doing in Iraq? <http://www.newsweek.com/what-are-iranians-doing-iraq-303107>.
- Nahazi, Gh. H. (2008). Factors create and exacerbate the water crisis in the Middle East and North Africa. *Middle East Studies Quarterly*. 25(8), 71 (in Persian).
- Nourian, S. M. (2015). The impact of political actions on political sovereignty of the Iraqi Shiite political parties. Tehran: Andisheh Sazan Noor. (in Persian).
- Parsapour, R. (2010). Arvand relic of the ancient Iranian civilization for thousands of years. The Persian Gulf Research Center, <http://www.persiangulfstudies.com>. (in Persian).
- Rashid, Gh. (2008). The role of geopolitical factors on defense strategy (case study: Iran than Iraq). Unpublished doctoral dissertation, Tarbiat Modarres University. 78, 92. (in Persian).
- Rashid, Gh. (2009). The impact of geopolitical factors in the Iranian defense strategies against Iraq. Tehran: Iranian Revolutionary Guards Islamic Revolution and Holy Defense Research Center. 64-66. (in Persian).
- Rogg, I. & Rimscha., H. (2007). The Kurds as parties to and victims of conflicts in Iraq, *International Review of the Red Cross*. 868. 16-18
- Salih, A. M., & Naser, M. (2016). Iraq: Kurds and Iran eye an oil deal. <http://www.aljazeera.com/news/2016/06/iraq-kurds-iran-eye-oil-deal-160621072705742.html>
- Salinger, P., & Laurent, E. (1995). *Gulf War secret file*. Tehran: Ettelat. 22. (in Persian).
- Taylor, P. J. (1994). *Political Geography world economy, nation state and locality*, Longman Scientific and Technical New Yourk, 80.
- Track. (2015). Hashid Shaabi. <http://www.trackingterrorism.org/group/hashid-shaabi-popular-mobilisation-committees>
University <http://ndupress.ndu.edu/.../pdf>